

## نمود جنسیت در کتاب‌های درسی زبان انگلیسی دوره دبیرستان و پیش‌دانشگاهی

### تحلیل واژگان و محتوا با رویکردی معیار-مدار

آذر حسینی فاطمی

(استادیار زبان و ادبیات انگلیسی دانشگاه فردوسی مشهد)

زهرا حیدریان

(کارشناسی ارشد آموزش زبان انگلیسی دانشگاه فردوسی مشهد، نویسنده مسئول)

### چکیده

مقاله حاضر به بررسی کتاب‌های درسی زبان انگلیسی دوره دبیرستان و پیش‌دانشگاهی در ایران پرداخته و مسئله تساوی جنسیتی و چگونگی باز‌نمایی آن را در این کتاب‌ها به چالش می‌کشد. تحلیل واژگانی و محتوایی متن این کتاب‌ها با رویکردی ضابطه‌مند و به استناد معیارهای تعیین شده توسط ریفکین (۱۹۹۸) صورت گرفت. به منظور غنی‌سازی یافته‌ها، محققین از هر دو رویکرد کمی و کیفی بهره‌گرفتند. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از آمار توصیفی و استدلالی استفاده شد، و مربع‌خی برای هر چهار مورد محاسبه گردید. یافته‌های حاصل از تجزیه و تحلیل کمی دلالت بر وجود نابرابری و تبعیض جنسیتی در کلیه کتاب‌های بررسی شده داشته‌اند. نتایج تحلیل محتوایی کتاب‌ها نیز حاکی از رویکردی سستی و کلیشه‌ای بوده و تصویر ارائه شده از زنان نه با واقعیت‌های فعلی جامعه ایرانی و نه با جامعه غربی مطابقت داشت. نقش و حضور پررنگ مردان و نگاه نابرابر و تبعیض‌آمیز به زنان، چه از لحاظ کمی و کیفی کاملاً ملموس بوده و عدم حضور و یا حضور کم‌رنگ زنان بر واقعیتی فرهنگی - اجتماعی مبتنی بر باورهای سستی صحنه گذاشت که در آن، مرد جنس برتر و زن جایگاهی پایین‌تر و به عنوان جنس دوم دارد. در پایان تمهیداتی برای تعدیل وضع موجود ارائه گردید.

**کلیدواژه‌ها:** جنسیت، تحلیل محتوایی و واژگانی، رویکرد معیار-مدار، مربع‌خی، کتاب‌های درسی زبان انگلیسی دوره دبیرستان.

## ۱- مقدمه

فرهنگ‌های متفاوت، الگوهای ارزشی متفاوتی را نهادینه می‌کنند. نهادینه کردن این الگوها و انتقال آنها به افراد جامعه از طریق فرآیند جامعه پذیری صورت می‌گیرد. نقش پذیری جنسیتی، باور فرد نسبت به تساوی جنسیت‌ها و حتی علایق و نوع فعالیت‌های هر فرد، نتیجه فرآیند جامعه‌پذیری است (برنز، ۲۰۰۱؛ وود و ایگلی ۲۰۰۲، برگرفته از لپیر و فریدمن، ۲۰۰۷ در هاشمی و شهرآرای، ۲۰۰۸).

اگرچه در جامعه ایران پس از انقلاب اسلامی، تغییرات شگرفی در خصوص مشارکت زنان روی داده است و در پی آن، زنان به تخصص‌های علمی و مناسب مهم دولتی راه یافته‌اند، لیکن این تغییرات در کلیشه‌های شغلی و حرفه‌ای نمود و بازتاب چندانی در کتاب‌های درسی نداشته است. با توجه به وجود این تناقض در جامعه و کتب درسی نسبت به حضور فعال زنان و نادیده انگاشتن آنان در کتب درسی، این پژوهش در پی دست یابی به دو هدف عمده است:

۱- بررسی باورها و کلیشه‌های جنسیتی کتب درسی؛

۲- آگاه ساختن ناشرین این کتاب‌ها نسبت به موضوع تساوی جنسیت و حرکت به سمت زدودن نگاه تبعیض آمیز نسبت به زنان.

## ۲- چارچوب نظری پژوهش

شاید بتوان ریشه‌های پیدایش فمینیسم را در دهه ۱۹۶۰ ردیابی کرد. هنگامی که طبقه اجتماعی، رنگ، جنسیت، تحصیلات و تفاوت در فرصت‌های شغلی زمینه ساز جنبش‌های فمینیستی متعددی شد. از قرن بیستم در انگلستان امروزی، فمینیسم در اشکال گوناگونی وجود داشته است. جنبش قرن بیستم با "طرفداری حق زنان برای رای دادن" آغاز شد. در آن زمان، زنان هیچگونه حق رای و همچنین امکان دستیابی به آموزش و وکالت را نداشتند، با ازدواج تمامی اموال و دارایی‌هایشان به همسرانشان منتقل می‌شد، نقش عمده آنان بچه آوردن بود و پس از طلاق هیچ حقی در مورد بچه‌ها نداشتند. این دوره از فمینیسم بجای تغییر شرایط، نوعی تغییر در شیوه رفتار داشت و بعنوان یک جنبش متحد و یکپارچه مطرح شد. هادگسون-رایت، برگرفته از گمبل (۲۰۰۱) در دهه ۱۹۶۰ طبقه

اجتماعی، رنگ، جنسیت، تحصیلات و تفاوت در فرصت‌های شغلی زمینه ساز جنبش‌های فمینیستی متعددی شد (هادگسون رایت، برگرفته از گمبل ۲۰۰۱ و اسکات و والاش، ۱۹۹۶). طبق گفته (تامپسون ۲۰۰۱، لیوید ۲۰۰۵، گامبل ۲۰۰۶، گنز و باربون ۲۰۰۹) تاریخچه جنبش فمینیسم مدرن به سه دسته تقسیم میشود:

**موج اول:** این موج به جنبش قرن ۱۹ تا ۲۰ مربوط میشود که عمدتاً مربوط به حق رای زنان و شرکت در انتخابات می‌شد (سندرس، برگرفته از گمبل ۲۰۰۱).

**موج دوم:** موج سیاسی دوم واکنشی به موج فردی اول بود، (تورنهام برگرفته از گمبل ۲۰۰۱) و عمدتاً مرتبط با نابرابری قوانین، اختلاف فرهنگی، مشارکت زنان در جامعه و حق رای بود (تورنهام برگرفته از گمبل ۲۰۰۱ و گنز و باربون، ۲۰۰۹).

**موج سوم یا پسا فمینیسم:** پسا فمینیسم، (دهه ۸۰ تا کنون) در واقع پاسخی به شکست متصور موج دوم بود (تورنهام برگرفته از گمبل ۲۰۰۱ و گنز و باربون، ۲۰۰۹).

پسا فمینیسم از بنیادگرایی نخستین و انگاره‌های یکپارچه زنان فاصله دارد و تنها معتقد به هویت اجتماعی است. (گنز و باربون، ۲۰۰۹). امواج مختلفی که فمینیسم را تحت تاثیر قرار داده‌اند سبب تکامل و تغییر دیدگاه آن در جهت قبول تفاوت بین زنان و مردان شده‌اند. تکامل فمینیسم و توسعه آن سبب راه یافتن این جنبش در حوزه‌های متفاوتی از جمله ادبیات، فلسفه، دین، فیلم، فرهنگ و زبان شده است. رویکرد فمینیست‌ها به مقوله زبان به دو دسته تقسیم می‌شد (فریمن و مک الهینی، ۱۹۹۶)، مدل‌های غالب و متفاوت:

در مدل غالب، تفاوت میان زبان زنان و مردان نتیجه ضعیف بودن زنان، تسلط محاوره‌ای مردان، و سلطه سیاسی و فرهنگی آنان بر زنان است، اما در مقابل در مدل متفاوت، رویکرد فرهنگی دوگانه این تفاوت‌ها را ناشی از تفاوت میان جامعه پذیری آنان می‌داند (فریمن و مک الهینی، ۱۹۹۶). البته این رویکردها خیلی زود رو به انحطاط رفت که دلیل آن عدم توجه به فضای حاکم و شرایط تعامل در تحلیل گفتمان بود (فریمن، مک الهینی، ۱۹۹۶).

پس از انحطاط این دو رویکرد دیدگاه‌های متفاوتی ارائه شد که بر شرایط تعامل و نوع فعالیت تاکید داشتند (گودوین، ۱۹۹۰). اما کاملترین آنها مفهوم فعالیت را با "کارگروه" تلفیق می‌کنند. در این مفهوم جدید علاوه بر فعالیت، بر روی جنبه‌های دیگر هویت اجتماعی نیز تاکید میشود (اکرت و مک کئل گینت، ۱۹۹۲).

علاوه بر نظریاتی که فمینیست‌ها در مورد زبان گفتمان زنان و مردان مطرح کرده‌اند دیدگاه‌های آنان در مورد پیکره زبان نیز قابل توجه است. از آن جمله ویلی ایده "ساختار پیکره زبان" را به منظور تغییر پیکره زبان با خلق اشکال جدید، تغییر اشکال قدیمی، یا انتخاب فرم‌های جایگزین در املاء، تلفظ، لغت، و دستور زبان مطرح می‌کند (ویلی، بر گرفته از فریمن و مک الهینی، ۱۹۹۶). در رویکرد ویلی که مارتینا در ۱۹۸۳ آن را دیدگاه "he/man" میخواند توجه فمینیست‌ها به ساختار زبان و برابری یا بیطرفی در کاربرد ضمائر، اسامی، صفات،... آن معطوف می‌شود. و راه حل‌هایی را نیز ارائه میدهند از جمله: حذف ضمیر مذکر، بازنویسی جمله بصورت جمع بجای مفرد، جایگزینی ضمیر خشی یا ژنریک (one or one's) بجای he. استفاده از she / he ، his / her در گفتار یا نوشتار یا (s/he) در نوشتار و استفاده از ضمیر their هنگامی که فاعل نامعین است. البته باید خاطر نشان شد که در دیدگاه فمینیستی شرایط گفتمان بر کلام اولویت دارد (لاکوف و جانسن، ۱۹۸۰، باتلر، ۱۹۹۲، کولینز، ۱۹۹۰).

### ۳- مروری بر مطالعات پیشین

بررسی پیکره زبان که از اصول دیدگاه‌های فمینیستی است اغلب در تحلیل کتب و متون متعدد مورد استفاده قرار میگیرد. مطالعه کتب و بررسی آن از دیدگاه‌های متفاوت فمینیستی از گذشته مورد توجه محققان بوده است. استرن (۱۹۷۶) کتاب‌های آموزش زبان سال‌های ۱۹۷۰ تا ۱۹۷۴ را بررسی کرد و این کتاب‌ها را نمادی از نگرش کلیشه‌ای معرفی کرد. چانگ (۲۰۰۰) کتاب‌های درسی کره و مکزیک را باهم مقایسه کرد. و متوجه نگرش کلیشه‌ای و ترویج نابرابری جنسیتی در کتاب‌های درسی فن زبان، کتاب‌های مطالعات اجتماعی / جغرافیا، علوم، تاریخ و اخلاق شد. انصاری و بابایی (۲۰۰۳) به بررسی دیدگاه‌های کلیشه‌ای در کتاب‌های "Right path to English 1&2" که در ایران تدریس میشود پرداختند. نتایج تحقیقات آنان که هم به صورت کمی و هم کیفی بر روی شغل،

نوع فعالیت، کلیشه‌ها و تقدم در عبارت صورت گرفت بازهم وجود تعصبات خاص به مردان بود. اسن (۲۰۰۷) نیز این بررسی را میان کتاب‌های جدید و قدیم مدارس ترکیه انجام داد و رویکرد کلیشه‌ای و ترویج نابرابری جنسیتی را حتی در کتاب‌های جدید نیز تصدیق کرد. از جمله تحقیقات انجام گرفته در این حوزه در ایران مطالعه باورها و ارزش‌های دانش آموزان، خانواده و کتب درسی است که رویکرد کتب درسی علوم انسانی مدارس ایران را تاکید بر مرز بندی جنسیتی می‌داند (هاشمی و شهرآرای، ۲۰۰۸؛ کنسولو، ۲۰۰۹) کتاب‌های خواندن و درک مطلبی را که اخیراً منتشر شده بود از نظر تعداد دفعات به تصویر کشیده شدن، جنسیت شخصیت‌های اصلی و فرعی، ژانر و محتوای هر متن و ویژگی‌های شخصیت‌های اصلی ارزیابی کرد و بازهم وجود نابرابری را در تصاویر، نوع شخصیت‌ها و ژانر هر متن ثابت کرد.

با توجه به اهمیت کتب درسی در فرآیند جامعه پذیری و شکل دهی باورهای جنسیتی، این پژوهش در پی یافتن پاسخ به پرسش‌های زیر است:

۱. آیا حضور و نقش زنان و مردان در کتب درسی متوازن است؟
۲. زبان به کار رفته برای هر کدام چه دیدگاهی را نسبت به آنها القا می‌کند؟

#### ۴- روش پژوهش

جمع آوری داده‌ها در این پژوهش، با استفاده از روش پژوهش کمی و کیفی صورت گرفته است. در این پژوهش، کلیه متون کتب آموزش زبان دبیرستان و پیش دانشگاهی که جمعا ۳۰ متن است مورد بررسی قرار می‌گیرد. از این ۳۰ متن، ۹ متن آن متعلق به کتاب اول دبیرستان، ۷ متن متعلق به کتاب دوم دبیرستان، ۶ متن متعلق به کتاب سوم دبیرستان و ۸ متن آن متعلق به کتاب پیش دانشگاهی است. متغیرهای اصلی این پژوهش عبارتند از جنسیت (مذکر و مونث)، و متون کتب درسی دبیرستان و پیش دانشگاهی. جمع آوری داده‌ها در این پژوهش، با استفاده از روش پژوهش کمی (آمار توصیفی و مربع خی) و پژوهش کیفی (تحلیل متون) و بر اساس معیارهای ارائه شده توسط ریفتکین (۱۹۹۸) انجام گرفته است. این معیارها شامل موارد زیر هستند: ۱- نامیده شدن یا بدون نام

بودن؛ ۲- ارجاعات به شخصیت‌ها؛ ۳- با احترام یا معمولی نامیده شدن؛ ۴- تعداد ضمایر به کار رفته؛ ۵- تعداد فاعل‌ها، مفعول‌ها، افعال، صفت‌ها و قیدها؛ ۶- تعداد افعال، صفات و قیده‌های خاص؛ ۷- اولویت نامبردن در یک عبارت؛ ۸- خانه دار یا شاغل بودن؛ ۹- نوع مشاغل؛ ۱۰- تعداد شخصیت‌های معروف ذکر شده برای هر کدام؛ ۱۱- به مسخره گرفته شدن؛ ۱۲- جنسیت نویسندگان.

#### ۵- یافته‌های پژوهش

##### ۵-۱: تحلیل کمی

یافته‌های پژوهش حاضر نشان داد نسبت حضور مردان به زنان در کل چهار کتاب ۸۱ به ۱۹ درصد است. تعداد زنانی که نامشان ذکر شده و تعداد ارجاعات به مردان نسبت به زنان به ترتیب ۵ به ۱ و ۳ به ۱ می‌باشد. همان‌طور که در جدول شماره ۱ مشاهده می‌شود، تعداد زنان در همه موارد کمتر از انتظار است و تنها حضور آنها در نقش سنتی پررنگ نشان داده شده است.

حتی در تعداد ضمایر نیز مردان غالب هستند. حضور زنان در کل چهار کتاب چنان محدود است که هیچ جمله‌ای با محوریت زنان در این کتاب‌ها یافت نمی‌شود. به عبارت دیگر، زنان مرجع هیچ ضمیر اول شخصی نبوده و تنها مخاطب سخن یا اوامر مردان بوده‌اند. در مقابل مردان هم در اول شخص مفرد و هم در دوم شخص مفرد غالب بوده و اغلب جملات این چهار کتاب به آنها اختصاص دارد.

تفاوت زیاد میان زنان و مردان، نه تنها در تعداد ضمایر به کار رفته برای مردان بلکه در تعداد دفعاتی است که مردان در نقش‌های دستوری مانند: فاعل و مفعول قرار گرفته و همچنین در صفات و قیدهایی است که برای آنان ذکر شده. در این معیارها، تعداد مردان به ترتیب ۵، ۳، ۲۶ و ۶ برابر بیشتر از زنان بوده است. علاوه بر تعداد بیشتر موارد ذکر شده، افعال و صفات خاص نیز تنها برای آنها به کار رفته. برای مثال شخصیت پیامبر در متن آخر کتاب سال اول دبیرستان است که می‌تواند وحی و پیام‌های ارسالی از جانب خدا را دریافت کند و چون هیچ زنی در طول اسلام نقش پیامبر را

نداشته این صفت (دریافت کننده وحی) صفتی مردانه تلقی می‌شود. در مقابل زنان با حضوری کم رنگ هیچ فعل یا صفت خاصی را به خود اختصاص نداده‌اند و تنها صفتی که در کل این کتاب‌ها به آنان اختصاص داده شده صفت "نگران" است که آن هم در ارتباط با شخصیت مرد متن نیوتون می‌باشد: در متن سوم کتاب سال اول دبیرستان آمده است:

"forget to eat the eggs" she was *afraid* that Newton might

. نکته جالب توجه در این کتاب‌ها ذکر کلمه دختران قبل از پسران در یک عبارت است. این

عبارت در متن سوم کتاب سال دوم دبیرستان می‌باشد:

"This city was made for *girls who love dollhouses and boys who play with toy trains. And for every man and woman who remembers being a child.*"

اگر چه این تقدم تنها در یک عبارت در کل این کتاب‌ها دیده می‌شود و این عدد برای مردان ۵ می‌باشد اما می‌تواند نشانه‌ای مثبت در جهت برقراری تساوی تلقی شود. درصد ارجاع به شغل، عناوین، و اشخاص معروف، در مورد مردان به ترتیب ۶۴٪، ۶۳٪، ۵۶٪، ۵۵٪ و ۸۳٫۳۴٪ بیشتر از موارد مشابه در مورد زنان است. برای مثال شخصیت‌های مرد این متون مخترع (نیوتون - سال اول دبیرستان و پیش‌دانشگاهی و گالیله و ادیسون - پیش‌دانشگاهی)، محقق (مردی که بر روی واشوی میمون تحقیقات انجام می‌داد - سال دوم دبیرستان)، موسس (فردریک فروبل - سال اول دبیرستان)، مزرعه‌دار (سال اول دبیرستان)، نویسنده (چارلز دیکنز - سال دوم دبیرستان) و مکتشف (جیمزوات - سال اول دبیرستان)، سازنده اسباب بازی (سال دوم دبیرستان) می‌باشند. اما در مقابل شخصیت‌های زن هیچ حرفه‌ای ندارند. همان‌طور که ملاحظه شد اکثر شخصیت‌های مرد از اشخاص مشهور هستند اما در مقابل تنها شخصیت زن مشهور که تنها شخصیت دارای نام نیز هست مادر ترزا است.

نکته قابل ذکر دیگر عدم حضور نویسندگان زن در این کتاب‌ها است. به عبارت دیگر تمام ۳۰

متن این کتب تنها توسط نویسندگان مرد نوشته شده است. با توجه به حضور زنان و جایگاه آنان در

ادبیات و فرهنگ ایران زمین و نقش‌های حیاتی که در جامعه ما ایفا می‌کنند، عدم حضور یا نادیده گرفتن آنها به نوعی نفی وجودی آنهاست.

جدول زیر درصد و فراوانی شخصیت‌ها را در معیارهای برگزیده شده توسط ریفکین نشان می‌دهد.

جدول ۱- فراوانی و درصد هر معیار

متون درسی	زن		مرد	
	تعداد	%	تعداد	%
الف ۱	۱۱	۱۶.۱۸	۵۷	۸۳.۸۲
ب	۴۸	۲۳.۳۰	۱۵۸	۷۶.۷۰
ج	۵	۱۸.۵۲	۲۲	۸۱.۴۸
الف ۲	۱۲	۲۵.۵۳	۳۵	۷۴.۴۷
ب	۰	۰.۰۰	۰	۰.۰۰
ج	۵	۱۶.۱۳	۲۶	۸۳.۸۷
الف ۳	۰	۰.۰۰	۲۰	۱۰۰.۰۰
ب	۴	۳۰.۷۷	۹	۶۹.۲۳
ج	۰	۰.۰۰	۰	۰.۰۰
۴	۴۷	۲۲.۹۳	۱۵۸	۷۷.۰۷
۵	۹	۲۱.۹۵	۳۲	۷۸.۰۵
الف ۶	۰	۰.۰۰	۱	۱۰۰.۰۰
ب	۵۵	۲۰.۹۱	۲۰۸	۷۹.۰۹
الف ۷	۰	۰.۰۰	۰	۰.۰۰
ب	۰	۰.۰۰	۶	۱۰۰.۰۰
الف ۸	۰	۰.۰۰	۲	۱۰۰.۰۰
ب	۱	۳.۷۰	۲۶	۹۶.۳۰
۹	۱	۱۶.۶۷	۵	۸۳.۳۳
۱۰	۲	۱۰۰.۰۰	۰	۰.۰۰
۱۱	۱	۷.۱۴	۱۳	۹۲.۸۶
۱۲	۴	۱۸.۱۸	۱۸	۸۱.۸۲
۱۳	۲	۲۲.۲۲	۷	۷۷.۷۸
۱۴	۵	۸.۳۳	۵۵	۹۱.۶۷
الف ۱۵	۰	۰.۰۰	۳	۱۰۰.۰۰
ب	۰	۰.۰۰	۳۰	۱۰۰.۰۰



با تست آماری مربع خی تساوی یا عدم تساوی بین نسبت فراوانی متغیرهای مورد نظر محاسبه می شود و چنانچه میزان تواتر آنها به طور قابل ملاحظه بیشتر از انتظار باشد می توان نتیجه گرفت که بین این دو رقم تفاوت معنا دار از لحاظ آماری وجود دارد. همان طور که در جدول شماره ۲ مشاهده می شود کتاب انگلیسی اول دبیرستان بیشترین، و کتاب انگلیسی پیش دانشگاهی کمترین میزان مربع خی را در بین چهار کتاب مطرح شده دارند. این ارقام نشان دهنده کمتر شدن تفاوت میان حضور زنان و مردان در این کتابها است، اما تفاوت میان دو جنسیت در مورد تمام معیارهای سنجیده شده به قدری است که از حد انتظار معمول بسیار فراتر است.

جدول ۲- مقایسه مربع خی در چهار کتاب

کتابها	اول	دوم	سوم	پیش دانشگاهی
Chi-square مربع خی	$X^2=398.0118$	$X^2=49.22727$	$X^2=28.125$	$X^2=11.57407$

#### ۲-۵ تحلیل کیفی متون

در تمام جنبه‌های بررسی شده در این پژوهش، مرد سالاری یا نگاه غالب مردانه مشهود است. از آن جمله می توان برتری مردان را در جایگاه اجتماعی شان، در نامیده شدن، استفاده ازصفات، افعال، قیود، فاعلها، ضمایر را نام برد. نگاه مرد سالارانه و کلیشه‌ای نویسندگان این کتابها تا به آنجا است که حتی در انتخاب متون نیز سعی در القای باورهای خود دارند. متون انتخاب شده به طور ضمنی برتری، ذکاوت و اهمیت را برای مردان و ضعیف بودن، احساساتی بودن و بی اهمیت بودن را در مورد زنان القا می کند. تنها متنی که در کل این کتابها مستقیماً به یک زن اشاره می کند متن آخر کتاب پیش دانشگاهی است که در مورد مادر ترزا است. این متن در مقابل متنی درباره توماس ادیسون، مخترع بزرگ، قرار داده شده که خود تاکید نویسندگان این کتاب را بر کلیشه انگاری تصدیق می کند.

در مورد انتخاب مشاغل نیز تاکید بر مرزبندی‌های جنسیتی آشکارتر می‌شود. مشاغل در نظر گرفته شده برای مردان: محقق، مکتشف، مخترع، موسس و پیامبر (نیوتون، وات، ادیسون، فروبل و حضرت محمد) هستند؛ اما در مقابل مشاغلی که برای زنان انتخاب شده بینام و به نوعی در جهت خدمت به شخصیت مرد می‌باشند؛ مانند خدمتکار نیوتون در کتاب اول دبیرستان.

نکته قابل توجه دیگر نوع شخصیت پردازی نویسندگان این کتاب‌ها است. در کتاب اول دبیرستان متنی وجود دارد که درباره جیمز وات مخترع اسب بخار است. شخصیت زن مقابل این جوان باهوش مادربرگی پیر است که اطلاعات لازم برای پاسخ گویی به سوالات وی را ندارد. در این متن، که دیدگاهی کاملاً سستی دارد، ذکاوت یک مرد جوان در مقابل یک زن سالخورده قرار می‌گیرد تا برجسته تر نمایش داده شود. البته این نوع نگرش به زن نه تنها در این متن که در کل این کتاب‌ها نیز مشهود است.

اگرچه پیشرفت یا گرایش نسبی به سمت برابری جنسیتی در این کتب نمایان است و متون کتاب سوم و پیش دانشگاهی تا حدودی بیطرفانه هستند، اما باز هم ردپای این نگاه مردسالارانه در آنها دیده می‌شود.

#### ۶- نتیجه گیری

علل نابرابری و تبعیض جنسیتی علیه زنان بسیار گسترده و گوناگون است. تجزیه و تحلیل محتوایی و لغوی کتب درسی زبان انگلیسی دبیرستان و پیش دانشگاهی نشان داد؛ گرچه هیچ سیاست مجزایی در رسیدن به برقراری تساوی جنسیتی در آموزش وجود ندارد، اما راهکارهای متعددی وجود دارد که در تحقق سریعتر این هدف کمک می‌کند. از جمله این راهکارها، شناخت ارتباطات متعدد بین آموزش والدین و فرزندان و در نظر گرفتن علایق زنان و مردان در قانونگذاری، سیاستگذاری و برنامه ریزی‌های مهم دولتی است. دولت میتواند برابری جنسیتی را در آموزش از طریق قانونگذاری، اصلاحات سیاسی، توزیع مجدد منابع، ایجاد امکانات برای تحصیل زنان فراهم کند. ارائه معیارهای خاص بمنظور کاهش نابرابری، و ایجاد محیط آموزشی مناسب برای هر دو گروه دختران و پسران از طریق تغییرات مثبت کتاب‌ها و برنامه‌های آموزشی، بالا بردن مهارت‌ها و تغییر

رویکرد معلمین و فراهم کردن امکانات پیشرفته و مطمئن می تواند در جهت رفع تبعیض مفید واقع شود. متخصصان، ملزومات سیاسی و منابع باید دست به دست هم دهند تا بتوان از نیروی بلقوه فکری کاری نیمی از جمعیت بهره جست و در جهت بهبود منافع شخصی، اقتصادی و اجتماعی گام برداشت.

تجزیه و تحلیل کتب درسی زبان انگلیسی دبیرستان و پیش دانشگاهی، نا برابری جنسیتی را در متون آشکار ساخت. برقراری تعادل جنسیتی در فضای ایران به دلایل زیر توصیه شود: (۱) مهمتر جلوه دادن پسران در کتب درسی برخلاف اصول عدالت جنسیتی میباشد؛ (۲) امروزه در جامعه ایران زنان عهده دار مشاغل مهمی هستند و به تصویر کشیدن آنها تنها در نقش های سستی مانند خانه دار یا مادر نادرست می باشد؛ (۳) نادیده گرفتن زنان در کتب درسی می تواند خود انگیزه ای برای زنان در بدست آوردن مشاغل بیشتر و موقیعت اجتماعی بهتر و عدم توجه به نقش های دیگرشان به عنوان مادر و همسر شود.

بنابراین، عدم تعادل جنسیتی در آموزش و در کتب درسی عامل مهمی است که باید در خط مشی سیاسی اجتماعی وزارت آموزش و پرورش مورد توجه قرار گیرد. تولید و یا انتخاب مطالب آموزشی با در نظر گرفتن عدالت جنسیتی میتواند به اعتماد بنفس فردی و هویت اجتماعی زنان کمک کرده که این به نوبه خود می تواند بر پیشرفت آموزشی و شاخص های رشد اجتماعی نیز تاثیر گذارد. گرچه نتایج این پژوهش نابرابری جنسیتی را در تمام متون کتب دبیرستان و پیش دانشگاهی آشکار ساخت، اما پیشرفت نسبی و حرکت به سمت برابری جنسیتی را نمی توان نادیده گرفت. چنانکه کتاب پیش دانشگاهی در مقایسه با کتب دبیرستانی کمترین میزان نابرابری را دارا است. به دلیل آنکه نظام آموزش و پرورش کشورمان یک نظام کتاب محور است و مطالب کتاب مسیر یادگیری را مشخص می کند بهتر است قالب کتاب های درسی علاوه بر ارائه یک سری مطالب نظری، دانش آموزان و معلمین را به ارزشیابی و ارائه استدلال و تفکر انتقادی ترغیب کند. از آنجا که پژوهش حاضر نشان داد که تصویری که از زنان در کتب ارائه شده نه تنها با واقعیت های جامعه جهانی بلکه با جامعه اسلامی و فعلی ایران نیز مغایرت دارد و جایگاه زن ایرانی

دیگر با نقش‌های کلیشه‌ای کتاب‌ها همخوانی ندارد، در انتها توصیه می‌شود ۱- که نظام آموزشی کشور در جهت تغییر محتوایی این کتب و ارائه الگوهای مناسب تمهیداتی اندیشیده و از متن‌هایی استفاده شود که جایگاه و هویت زن ایرانی را منعکس کند و نگاه تبعیض آمیز در مورد زنان را که ریشه در نظام فکری سنتی مذهبی جامعه دارد از متون درسی بزداید. ۲- با فراهم آوردن شرایط مساوی بستر لازم برای شکوفایی قابلیت‌های این قشر از جامعه را فراهم کرده، تا زنان با خود باوری و مشارکت بیشتر در امور اجتماعی بتوانند نه تنها جایگاه خود را در اذهان عمومی بلکه شاخص‌های توسعه اجتماعی را نیز ارتقاء دهند

#### ضمیمه

#### معیارهای بررسی نمود تساوی جنسیت به استناد مقاله ریفکین

۱. تعداد دفعاتی که نام زنان یا مردان برده شده
- الف. نسبت زنان دارای نام به شخصیت‌های مرد
- ب. نسبت ارجاع به این شخصیت‌ها (ضمایر شخصی با مرجع ضمیر مشخص)
- ج. نسبت کل شخصیت‌های زن به مرد
۲. نحوه نامبرده شدن (متناسب با هنجارهای فرهنگی زبان مقصد)
- الف. نسبت تعدادی که نام کوچک زنان، در مقایسه با مردان، کامل آورده شده.
- ب. نسبت تعدادی که نام کوچک مردان، در مقایسه با زنان، با احترام برده شده.
- ج. نسبت تعدادی که زنان، در مقایسه با مردان، با عناوین محترمانه دیگری نام برده شده‌اند. مانند: تنها با ذکر نام خانوادگی، نام کوچک و بزرگ، نام و نام خانوادگی و نام خانوادگی همراه با عناوینی مانند پروفیسور یا دکتر.

#### ۳. تعداد دفعاتی که زنان مرجع

- الف. ضمیر اول شخص مفرد
- ب. دوم شخص مفرد
- ج. دوم شخص جمع هستند.

۴. تعداد دفعاتی که زنان فاعل جمله هستند.
  ۵. تعداد دفعاتی که زنان مفعول ( مستقیم یا غیر مستقیم) جمله هستند.
  ۶. نسبت استفاده افعال مختص به زنان به کل افعال ذکر شده برای مردان و زنان
  ۷. نسبت استفاده قیدهای مختص به زنان به کل قیدهای ذکر شده برای مردان و زنان
  ۸. نسبت استفاده صفات مختص به زنان به کل صفات ذکر شده برای مردان و زنان
  ۹. تعداد دفعاتی که زنان در یک عبارت نامشان پیش از مردان آورده شده.
  ۱۰. تعداد دفعاتی که مردان در نقش خانه دار ظاهر شده‌اند.
  ۱۱. تعداد دفعاتی که زنان در مشاغل بیرون از خانه ظاهر شده‌اند.
  ۱۲. نسبت مشاغل ذکر شده برای زنان به مردان.
  ۱۳. نسبت ارجاع به زنان و مردان در عناوین، درس‌ها یا هر قسمتی از متن که برجسته است.
  ۱۴. نسبت نام بردن شخصیت‌های مشهور زن به شخصیت‌های مشهور مرد.
  ۱۵. نسبت دفعاتی که زنان در مقایسه با مردان مورد تمسخر قرار گرفته‌اند.
- الف. نسبت متون نوشته شده توسط زنان به مردان.
- \*برای سهولت در آمارگیری از تعداد دفعات و درصد به جای نسبت استفاده شده. همچنین علاوه بر افعال، صفات و قیود خاص کل آنها نیز دز نظر گرفته شده.

## کتابنامه

- بیرجندی، پ.، نوروزی، م.، محمودی، غ. (۱۳۸۸). انگلیسی (۱): کتاب درسی سال اول دبیرستان، درس مشترک کلیه رشته‌ها. تهران: شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران.
- بیرجندی، پ.، نوروزی، م.، محمودی، غ. (۱۳۸۸). انگلیسی (۲): کتاب درسی سال دوم دبیرستان، درس مشترک کلیه رشته‌ها. تهران: شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران.
- بیرجندی، پ.، نوروزی، م.، محمودی، غ. (۱۳۸۸). انگلیسی (۳): کتاب درسی سال سوم دبیرستان، درس مشترک کلیه رشته‌ها. تهران: شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران.
- بیرجندی، پ.، عنابی سراب، م.، صمیمی، د. (۱۳۸۸). انگلیسی (۲و۱): کتاب درسی دوره پیش دانشگاهی، درس مشترک کلیه رشته‌ها. تهران: شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران.
- هاشمی، س.، شهرآزای، م. (۱۳۸۷). بررسی باورها و ارزش‌های دانش آموزان، خانواده، و کتاب‌های درسی درباره تساوی جنسیت. پژوهشکده زنان: مطالعات زنان، ۶(۲)، ۲۷-۴۶.
- Ansary, H. & Babaii, E. (۲۰۰۳). Subliminal sexism in current Iranian secondary school ELT textbooks. *IJAL*, ۹(۱), ۴۰-۵۶.
- Biglar, A. (۲۰۰۹). Iran's female students and a fresh perspective on masculinity and femininity. <http://call-for-apers.sas.upenn.edu/node/۳۳۷۴۸>.
- Butler, J. (۱۹۹۲). Contingent foundations: Feminism and the question of 'postmodernism'. In Butler and Scott (Eds), *Feminists theorize the political*. ۳-۲۱, New York: Routledge.
- Chang, H. (۲۰۰۰). Women' role and gender issues in primary school textbooks: Korea and Mexico. <http://orpheus.ucsd.edu/las/studies/pdfs/Chung۲.pdf>
- Collins, P. (۱۹۹۰). *Black feminist thought in the matrix of domination, black feminist thought: knowledge, consciousness, and the politics of empowerment*. Boston: UnwinHyman, ۲۲۱-۲۳۸.
- Consolo, M. (۲۰۰۹). *An exploration of gender bias in selected basal reading series*. From Graduate College of Bowling Green, Department of Arts & Science.
- Eckert, P. & Mc Ginnet, S. (۲۰۰۳). *Language and gender*. New York: Cambridge University Press.

- Esen, Y. (۲۰۰۷). Sexism in School Textbooks Prepared Under Educational Reform in Turkey. *Journal for Critical Educational: Policy Studies*, ۴(۲), ۱۷۴۰-۲۷۴۳.
- Freeman, R. & McElhinny, B. (۱۹۹۶). Language and Gender. In S. McKay, & N. Hornberger (Eds). *Sociolinguistics and Language Teaching* (pp.۲۱۵-۲۸۰). New York: Cambridge University Press.
- Gamble, S. (۲۰۰۱). *The routledge companion to feminism and post feminism*, London: Routledge.
- Genz, S. & Brabon, B. (۲۰۰۹). *Post Feminism: Cultural Texts and Theories*. Edinburgh: Edinburgh University Press Ltd.
- Hashemi, S. & Shahr Aray, M. (۱۳۸۷). Barrasi bavarha va arzeshhaye daneshamoozan, khanevadeh, va ketabhaye darsi darbारेie tasvie jensiat. *Pajuheshkadeh Zanan: Motaleat Zanan*, ۶(۲), ۲۷-۴۶.
- Hodgson, S. (۲۰۰۱). Early Feminism.. In S. Gamble (Ed.) *The routledge companion to feminism and post feminism* (pp. ۳-۱۵). London: Routhledge.
- Lakoff, G. & Johnson, M. (۱۹۸۰). *Metaphors we live by*. Chicago: The University of Chicago Press.
- Lloyd, M. (۲۰۰۵). *Beyond identity politics: feminism, power & politics*. London: SAGE Publications.
- Rifkin, B. (۱۹۹۸). Gender representation in foreign language textbooks: A case study of textbooks of Russia. *The Modern Language Journal*, ۸۲( ۲), ۲۱۷-۲۳۶.
- Sanders, V. (۲۰۰۱). First wave of feminism. In S. Gamble (Ed.) *The routledge companion to feminism and post feminism* (pp. ۱۵-۲۵). London : Routledge.
- Scott, J. (۱۹۹۶). *Feminism and History: Oxford Readings in Feminism*. New York: Oxford University Press.
- Stern, R. H. (۱۹۷۶). Sexism in foreign language textbooks. *Foreign Language Annals*, ۹(۴), ۲۹۴-۲۹۹.
- Thompson, D. (۲۰۰۱). *Radical feminism today*. California: SAGE Publication.

Thornham, S. (۲۰۰۱). Second Wave Feminism. In S. Gamble (Ed.) *The routledge companion to feminism and post feminism* (pp. ۲۵-۳۶). London : Routledge.



پروپشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی